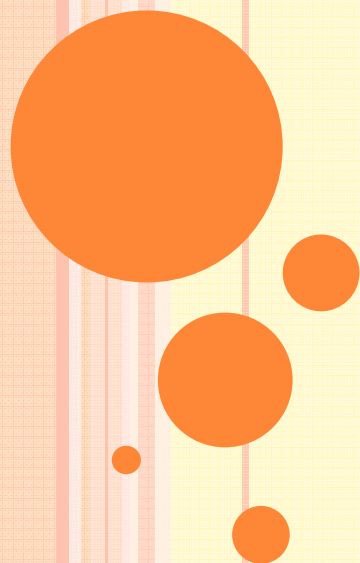


اخلاق حرفه ای آموزش
در چارچوب تربیت

دکتر خسرو باقري
دانشگاه تهران



بیان مساله

1. صدای پای بحران اخلاقی در جامعه
2. سهم تعلیم و تربیت در بحران اخلاقی جامعه چیست:
 1. در ایجاد بحران
 2. در رفع بحران
3. معلم / استاد/کارکنان می تواند به طور ضمنی در ایجاد بحران نقش ایفا کند.
4. معلم / استاد/کارکنان می تواند با صراحت بخشیدن به اصول ضمنی کار خود در رفع بحران نقش ایفا کند.
5. چگونه؟



تعریف اصطلاحات

- اخلاق؛ فعالیتی در فضای درون فردی برای تنظیم روابط فرد با خود و دیگران برحسب ارزش های “خوب” و “بد”
- تربیت؛ فعالیتی در فضای بین فردی برای رشد و تحول درونی فرد
- آموزش؛ قطبی از طیف آموزش - پرورش با غلبه عنصر شناختی
- اخلاق آموزش؛ فعالیتی در فضای درون فردی معلم برای تنظیم روابطش با شاگرد بر حسب ارزش های “خوب” و “بد”
- فرهنگ اجتماعی؛ چارچوب کلان تربیت و اخلاق که در نهایت رابطه ای متقابل می شود.



انواع الزام

- الزام بیرونی: قانون در محکمه عمومی
- الزام درونی: اخلاق در محکمه وجدان
- قانون یا اخلاق: به تنهایی کدامیک برتر است؟
- قانون بدون اخلاق:
 - نظم اجتماعی
 - مفرهای قانونی
 - مشکل در بحران ها (مقایسه طوفان امریکا با سونامی ژاپن)
- اخلاق بدون قانون:
 - آشوب اجتماعی
 - استثنای خوب
- به تنهایی، قانون از اخلاق برتر است اما برترین حالت: قانون + اخلاق



الزام درونی: چگونه؟

○ حرکت از بیرون به درون: ایجاد رفتار + تامین زیرساخت های رفتار

• اعمال قانون +

• فرهنگ سازی

○ حرکت از درون به بیرون: تامین زیرساخت ها + بروز رفتار

• تربیت

• الگوهای تربیتی: والدین + معلم

• تغییر نگرش افراد

○ نسبت به خود

○ نسبت به دیگران



تصویر انسان؛ زیرساخت تربیت

انسان به منزله عامل

- | | |
|------------|---------------------|
| | 1. روح |
| | 2. نفس |
| | 3. فطرت |
| <----- | 4. عقل |
| عمل <----- | 5. قلب |
| <----- | 6. اراده |
| | 7. هویت جمعی |
| | 8. محدودیت های آدمی |



ساختار عمل

عمل، رفتار مبتنی بر:

- شناخت
- گرایش
- اراده و انتخاب



مفهوم اساسی تربیت

تربیت در خصوص انسان عامل، چگونه نمی تواند باشد:

تلقینی (اختلال در مبنای شناختی)
اکراه آمیز (اختلال در مبنای گرایشی)
تحمیلی (اختلال در مبنای ارادی)

تربیت انسان عامل، چگونه باید باشد:

رابطه ای تعاملی؛ ناهمتراز برای برانگیختن:
شناخت (محض + تطبیقی) مقصد تلاش و عمل
گرایش و تمایل درونی به حرکت به سوی مقصد مورد نظر
گزینش مقصد مورد نظر و تلاش برای نیل به آن



کاربرد اخلاق در آموزش

○ 1. مطرح کردن خود یا فروتنی؟ (پارادوکس های اخلاقی)

○ خودستایی رذیلت است. (غیراخلاقی)

○ خودشناسانی مانع تضییع حقوق. (فضیلت و اخلاقی)

○

• (خوشر آن باشد که سر دلبران/گفته آید در حدیث دیگران)

• احیای حق گم شده خویش

• تفاوت فروتنی با خجل بودن



کاربرد اخلاق در آموزش

○ 2. انتقاد کردن از دیگران یا پرده پوشی؟ (پارادوکس های اخلاقی)

○ انتقاد شرط علم ورزی و مایه رشد علمی (ادای حق علم)

○ پرده پوشی و حفظ عزت نفس دیگران (ادای حق عالم)

○ آداب نقد:

- نقد در حضور به جای بد سخن گفتن در پشت سر
- همدلی با مولف تا جای ممکن به قصد فهم
- حمله نکردن به شخصیت مولف
- بسنده کردن به نشان دادن ضعف های منطقی
- دیدن نقاط مثبت



کاربرد اخلاق در آموزش

- 3. انتقاد از عمل یا عامل؟ (پارادوکس های اخلاقی)
- مگر عامل عمل را انجام نمی دهد؟ (انتقاد از عامل مجاز است)
- (عامل = عمل)
- عامل بزرگتر از عمل خویش است. (انتقاد از عامل ظلم است)
- (عمل > عامل)
- عامل می تواند عمل بد خود را بازسازی کند.
- انتقاد از عامل، امکان بازسازی عمل بد را کم می کند.
- انتقاد باید معطوف و محدود به عمل باشد.
- در انتقاد باید عزت نفس فرد با صراحت حفظ شود.



کاربرد اخلاق در آموزش

- 4. تشویق/تنبیه یا خودگردانی؟ (پارادوکس های اخلاقی)
- مربی حق تشویق/تنبیه دارد. (اخلاقی است)
- تشویق/تنبیه فرد را وابسته به غیر می کند. (غیراخلاقی است)
- فرد باید ارزش عمل خود را احساس کند.
- تشویق/تنبیه باید حالت نمادی خود را حفظ کنند.
- نماد واسطه است و نباید خود به هدف تبدیل شود.



کاربرد اخلاق در آموزش

○ 5. ارزیابی: مقایسه/عدم مقایسه با دیگران؟ (پارادوکس های اخلاقی)

○ مقایسه با دیگران (احساس حقارت/عجب)(غیراخلاقی)

○ مقایسه با دیگران (شناخت ظرفیت ها و ادای حق) (اخلاقی)

○ مقایسه دقیق با توجه به شرایط افراد ممکن نیست.

○ مقایسه توان زدا است نه توان بخش.

○ مقایسه تا مرز حسادت، می تواند انگیزه بخش باشد.

○ ارزیابی باید معطوف به توانایی های تحقق نیافته فرد باشد.

○ مقایسه نباید همکاری را یکسره به رقابت تبدیل کند.



کاربرد اخلاق در آموزش

○ 6. شوخ بودن یا نبودن؟ (پارداوکس های اخلاقی)

○ شوخ بودن به منزلت استاد آسیب می زند (غیراخلاقی)

○ شوخ بودن روابط را انسانی ترمی کند (اخلاقی)

○

○ جدی بودن را نباید با خشک و بی عاطفه بودن اشتباه کرد.

○ خودمانی بودن باید مرز داشته باشد:

• دم فرو بستن از سخن فرومایه و شوخی مستهجن

• عدم ورود به عرصه های خصوصی

○ جدی بودن و خودمانی بودن باید به هم حد بزنند.



کاربرد اخلاق در آموزش

○ 7. اقتدار یا اقتدارگرایی؟ (پارادوکس های اخلاقی)

○ اقتدار استاد هر چیزی را در جای خود قرار می دهد. (اخلاقی)

○ اقتدار موجب استبداد در کلاس است. (غیر اخلاقی)

○ اقتدار با اقتدارگرایی متفاوت است.

○ اقتدار محتوایی است و از «جان» استاد مایه می گیرد.

○ اقتدارگرایی صوری است و از «جای» استاد ناشی می شود.



کاربرد اخلاق در آموزش

9. تبعیض یا مساوات؟ (پارادوکس های اخلاقی)

○ تبعیض، هرگز؛ مساوات، همیشه! (تبعیض غیراخلاقی)

○ تبعیض مثبت، آری؛ مساوات، گاهی! (تبعیض اخلاقی)

○ تبعیض ناروا: نامساوی دادن به استحقاقهای مساوی

○ تبعیض روا: نامساوی دادن به استحقاق های نامساوی

○ عوامل تبعیض ناروا:

○ باورهای نادرست در مورد برتری (پسران باهوش ترند؛ نژاد سفید برتر است)

○ عوامل عاطفی (تاثیر زیبایی؛ حب و بغض و ...)

○ توجه تبعیض به کمک عوامل جانبی نوعی مغالطه است. (برخی از سهمیه های خاص)

○ تبعیض ناروا غیراخلاقی است.



کاربرد اخلاق در آموزش

○ 10. ستم یا عدالت؟

- جور استاد به زمهر پدر (جور اخلاقی)
- جور استاد نیز جور است (جور غیر اخلاقی است)

- ستم: ندادن حق به صاحب حق
- عوامل ستم استاد:
 - عادات غلط (: 20 مال خداست!)
 - تظاهر به سخت گیری (پرستیژ استادی)
 - انتقام گیری (: نمره ندادن به سبب خشم از رفتار دانشجو)
 - ستم مسئولیت حق ضایع شده را در عهده استاد می گذارد.

